

به نام خدا

بررسی نقش تروریسم در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر واقعه حماسه مردم آمل

مرتضی علویان¹

علی غفاری²

چکیده:

این مقاله به بررسی نقش تروریسم در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر واقعه حماسه مردم آمل می‌پردازد. واقعه حماسه مردم آمل که در 6 بهمن سال ۱۳۶۰ توسط اتحادیه کمونیست‌های ایران در شهرستان آمل رخ داد، یکی از وقایع تروریستی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این مقاله ضمن تشریح ابعاد این واقعه که منجر به شهادت رسیدن تعدادی از مردم آمل گردید، سؤالاتی را درباره تحلیل این عملیات تروریستی از منظر فقه سیاسی شیعه به وجود آورده است. در این پژوهش به بررسی آموزه‌ها و دیدگاه‌های فقه سیاسی شیعه در ارتباط با تروریسم پرداخته می‌شود. بدین منظور سؤال اصلی پژوهش این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به تروریسم دارد؟ و آیا آموزه‌های فقه سیاسی شیعه مبانی تروریسم را مجاز و قابل قبول می‌داند؟ در پاسخ به این سؤال خواهیم گفت که نه تنها در آموزه‌های فقه سیاسی شیعه مبانی تروریسم نفی و نامشروع تلقی می‌شود؛ بلکه فقه سیاسی شیعه خواهان ترویج صلح و امنیت در جامعه می‌باشد. در اصول فقه شیعه مفاهیمی مانند ارهاب، فتنه، بغی و محاربه وجود دارند که از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت تلقی می‌شوند و با آن مخالفت می‌شود. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد و در بحث نظری آن تلاش شده است مفهوم تروریسم مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی:

تروریسم، فقه سیاسی، حماسه مردم آمل، شیعه.

مقدمه و بیان مسئله:

حماسه مردمی آمل در سال 1360 سالی خاص و عبرت‌انگیز برای مردم ایران رقم زد. پس از انقلاب اسلامی ایران، عوامل استکبار جهانی در دو مجموعه بلوک شرق و غرب از راه شبکه‌های وسیع تروریستی با نفوذ در کشور ایران، دست به توطئه برای سرنگونی انقلاب اسلامی زدند. در کنار آن‌ها گروهک‌های تروریستی ضد انقلاب در داخل کشور دست به خرابکاری، ترور و رعب و وحشت در جامعه اقدام کردند. یکی از این گروهک‌های تروریستی اتحادیه کمونیست‌های ایران می‌باشد که در این مقاله به آن اشاره خواهیم نمود. در حال حاضر تروریسم یکی از اصلی‌ترین مشکلات جامعه جهانی و خطرناک‌ترین تهدید علیه حقوق ملت‌ها و امنیت بین‌المللی است. واقعه حماسه مردم آمل که در تاریخ ششم بهمن سال 1360 روی داد، یکی از وقایع تروریستی بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که منجر به شهادت رسیدن تعدادی

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران
² دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

از مردم آمل گردید. رابطه بین دین و ترور همواره یک مسئله نگران کننده بوده است و در زمان کنونی، اهمیت این مسئله پررنگ تر می باشد. در این مقاله ضمن تشریح ابعاد این واقعه، آموزه ها و دیدگاه فقه سیاسی شیعه را نسبت به این رویداد تروریستی بررسی خواهیم کرد. این نوشتار بر آن است که به تبیین و تعریف واژه ترور و تروریسم از منظر لغوی و اصطلاحی پرداخته شود و سپس جایگاه این واژه را در فقه سیاسی شیعه روشن نماید. مطالعات های صورت گرفته در این زمینه را می توان به کتاب «تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی» نوشته سید حسین هاشمی و کتاب «مطالعه تطبیقی تروریسم از منظر فقه شیعه و حنفی» نوشته محمد حنیف طاهری اشاره نمود. هم چنین مقالاتی نظیر «تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین الملل» نوشته پروانه چراغی و فربا حاجی علی از جمله پژوهش ها در این مورد می باشد که در مقاله به شرح آن ها خواهیم پرداخت.

تعریف فقه و فقه سیاسی:

فقه معانی مختلفی را شامل می شود: «فطانت و زیرکی»، «بریدن و گوشودن»، «رسیدن از دانشی آشکار به دانشی پنهان» و «علم و آگاهی دقیق و عمیق به چیزی و فهم و درک آن» است. فقه در اصطلاح از نظر فقها این است که: «الْفَقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْقَرْعِيَّةِ عَنْ أَدِلَّتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ: آگاهی از احکام فرعی و شرعی از روی دلایل تفصیلی و منابع استنباط» (ورعی، 1396، 5-3). فارابی فقه را مانند فلسفه سیاسی، دانش مدنی محسوب می کند. وی فقه را به دو بخش آراء و افعال تفکیک می کند. به نظر فارابی فقه در حوزه عملی از ملت و شریعت و مباحث مربوط به علم مدنی قرار می گیرد (حقیقت، 1399، 19). فقها تعریف گسترده ای از فقه دارند و آن را: «فهم جمیع احکام دین، اعم از ایمان و عقیده و عمل» می دانند. فقه سیاسی قسمتی از علم عام فقه در دنیای اسلام است که با توجه به اهمیت آن، کمتر گسترش یافته است (فیرحی، 1394، 25). در فقه مفاهیمی مانند: جهاد، امامت و خلافت، نصب امراء و قضات، دعوت به اسلام، صلح و قرارداد با سایر دولت ها و... وجود دارند که به آن ها فقه سیاسی می گویند. فقه سیاسی آن دسته از مفاهیم حقوقی را شامل می شود که جزو مباحثی مانند حقوق اساسی و اداری، حقوق مالی، حقوق بین الملل می باشند (عمید زنجانی و موسی زاده، 1391، 11). در تعریف دیگری از فقه سیاسی آمده است که: «الفقه السياسي هو الفهم الدقيق لشئون الأمة الداخلية والخارجية و تدبير هذه الشئون و رعايتها علي ضوء احكام الشريعة». فقه سیاسی فهم دقیق امور داخلی خارجی امت اسلامی و تدبیر این امور در پرتو احکام شریعت است (فیرحی، 1387، 72). فقه سیاسی به دو طریق بیان می شود: 1 - مجموعه ای از قواعد فقهی که به حوزه های سیاست مرتبط است. 2- فقه سیاسی مربوط است به پاسخ فقه به چالش های نو در مسائل گوناگون. در سیاست مسائل جدیدی مطرح می شود که فقه باید پاسخ گوی آن ها در زمینه تکلیف باشد. در زمینه سیاست مباحث مربوط به تکلیف فرد و جامعه و دولت و ملت پاسخ داده شود. پیشینه فقه سیاسی به زمان نزول قرآن کریم و ریاست حضرت محمد (ص) در جایگاه ریاست دولت اسلامی بر می گردد. در این زمان بر طبق وحی و سنت حضرت محمد (ص) اصول کلی فقه سیاسی در حوزه حکومت، صلح، سیاست خارجی، جهاد و... پایه گذاری شد (اکبری، 1387، 7 و 6). آیت الله خامنه ای دو کاربرد برای فقه سیاسی در نظر می گیرد در نظر ایشان فقه سیاسی: 1 - فقه سیاسی به معنای عام:

در این مورد، به فقیه توصیه می شود که در بررسی مباحث فقهی اعضای یک جامعه را به عنوان افرادی که در بستر اجتماعی و حکومتی زیست می کنند به حساب آورد و فتوا صادر کند و نه تحت عنوان انسان های منزوی از اجتماع. 2- فقه سیاسی به معنای خاص: در اینجا منظور از فقه سیاسی قسمتی از مباحث فقهی است که به مسائل سیاسی مربوط است (خراسانی، 1396، 17). آیت الله خامنه ای فقه سیاسی را قسمتی از فقه می داند که به اداره سیاسی کشور مربوط می شود. مسائل نظیر حکومت داری، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر (ایزدهی، 1389، 80).

چارچوب نظری:

تروریسم:

تروریسم از فعل ترور برگرفته شده است که به معنای ایجاد ترس بین مردم می باشد. فرهنگ آکسفورد تروریسم را این گونه تعریف کرده است: «توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعل؛ از طریق تولید وحشت در بین مردم». کاربرد این اصطلاح از زمان انقلاب فرانسه رایج شد. در زمان انقلاب فرانسه، نظام ترور ابزاری بود برای پایه گذاری و استحکام نظم در دوران انتقالی بعد از انقلاب محسوب می شد و مخالف معنای امروزی آن مفهوم مثبت بود. در این دوره حکومت های انقلابی از تروریسم به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفین خود بهره بردند. سوء استفاده رهبران انقلاب از نظام ترور، پدیده غیر انسانی آن را بر ملا ساخت (بیگ زاده، 1384، 7 و 6). تروریست، فردی است که تلاش دارد به کمک نظام هراس افکنی بر اساس قهر، نظرات و عقاید خود را جلو ببرد. بر اساس دانشنامه بریتانیکا، تروریسم به معنای «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش بینی ناپذیر بر ضد حکومت ها، مردمان یا افراد، برای دستیابی به یک هدف سیاسی است». تعریفی که از سوی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در 1990 ارائه شده است این است که: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می گیرد» (طیب، 1382، 22-20). کریستین سیکستا راینهارت در کتاب جنبش های اجتماعی سرخورده و ریشه های تروریسم، تروریسم را این گونه تعریف می کند: «گروه های تروریستی موجودیت هایی غیرحکومتی اند که آگاهانه به مردم عادی یعنی افرادی که در جریان رقابت آن ها برای قدرت، جزو ستیزه جویان نیستند حمله می کنند» (راینهارت، 1400، 33 و 32).

مؤلفه های مهم تروریسم شامل: 1- ایجاد ترس 2- قابل پیشبینی نبودن 3- غیرقانونی بودن 4- اهداف سیاسی داشتن. انواع ترور شامل 1- ترور اشخاص 2- ترور دولتی 3- ترور بین المللی 4- ترور هسته ای 5- ترور سایبری 6- ترور بیولوژیک 7- ترور تحریم (رحمانی و مرادخانی، 1394، 10).

تروریسم سیاسی و جرم سیاسی:

تروریسم سیاسی به دنبال تغییر و تحول در اجتماع و تحقق آرمان های سیاسی و اجتماعی فردی و گروهی خود هستند. در این مدل از تروریسم، انگیزه ترور به شخص قربانی ختم نمی شود؛ بلکه هدف نهایی آن استعلایی و فراتر از شخص قربانی یعنی جامعه و حکومت است. تروریسم سیاسی برای کسب قدرت مجبور است بین مردم و جامعه نفوذ و محبوبیت کسب کند. این نوع از تروریسم با ایجاد وحشت در جامعه

مشروعیت و اقتدار حکومت را خدشه دار می کند و با تبلیغات مختلف سعی در همراه کردن مردم با خود در جهت سرنگون کردن حکومت و کسب قدرت دارد (ناجی راد، 1387، 69 و 68). برایان جنکینز تروریسم را این گونه تعریف می کند: «استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی است که برای ایجاد تغییر سیاسی طراحی شده است». در تعریف دیگر از تروریسم والتر لاکور معتقد است: «تروریسم از استفاده غیرمشروع از نیرو برای دستیابی به یک مقصود سیاسی هنگامی که مردم بی گناه هدف قرار گیرند، شکل گرفته است». پلند «تروریسم را کشتار و ضرب و جرح عامدانه بی گناهان برای ایجاد ترس به منظور دستیابی به یک مزیت یا تاکتیک سیاسی، با هدف تحت تأثیر قرار دادن مخاطب» می داند (مبلغی، 1389، 102-99).

در مفهوم تروریسم جرم سیاسی پنهان است و تروریست ها را مجرمین سیاسی تلقی می کنند. حقوق دانان در تعریف آن براین باورند که «جرم سیاسی به عمل مجرمانه ای اطلاق می شود که در آن یا انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری بوده و یا هر عمل مجرمانه ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد گفته می شود. این جرم ممکن است به تنهایی یا همراه سایر جرائم عمومی، اجتماعی و امنیتی اتفاق بیفتد (کریمی نیا و همکاران، 1400، 112). در کنفرانس بین المللی کینهاک برای وحدت حقوق جزا، جرم سیاسی این گونه تعریف شد: «جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب شود» (پور حسین، 1391، 62). امنیت از مهم ترین عوامل شکل گیری جوامع بشری می باشد که یکی از ابعاد آن امنیت سیاسی می باشد. امنیت سیاسی در سطح کلان به معنای این است: مهار خطرات و آشوب هایی است که به طریقی موجب نظام سیاسی کشور را به خطر بیاندازد (رحمت الهی و همکاران، 1394، 114). مهم ترین راه های به دست آوردن امنیت سیاسی که توسط حکومت اجرا می شود؛ دوری از ظلم و استبداد، پیاده نمودن عدالت در جامعه و مبارزه با آشوب گران داخلی و دشمنان خارجی کشور می باشد (رهبر و سوری، 1395، 129).

در تحلیل واقعه حماسی مردم آمل می بایست این واقعه را در چارچوب تروریسم در نظر گرفت. اکنون باید دیدگاه فقه سیاسی شیعه را نسبت به مسئله تروریسم تشریح کنیم که در مطالب ذیل به آن می پردازیم.

بررسی و نقد تروریسم از دیدگاه اسلام و فقه سیاسی:

واژه تروریسم اصطلاح جدیدی است که در زمان اسلام این واژه وجود نداشت، اما با بررسی متون فقهی، آیات و روایات کلماتی وجود دارد که معادل تروریسم و مفهوم نزدیک به آن را دارد. اقدامات تروریستی به عنوان یک رفتار خشن و ناپسند در اسلام محسوب می شود. با بررسی آیات و روایات به این نکته می رسیم که اسلام با تأکید بر مفاهیمی چون صلح نه تنها تروریسم را رد می کند؛ بلکه منادی صلح، امنیت و آرامش در جامعه می باشد. در اینجا به تشریح مفاهیمی مانند محاربه، ارهاب، فتک، بغی و محاربه می پردازیم که از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت تلقی می شوند و در اسلام با آن ها مخالفت می شود. پس از تشریح این مفاهیم با رجوع به آیات قرآن کریم، روایات و نظر علمای شیعه که از منابع فقه سیاسی شیعه می باشند به واکاوی دیدگاه فقه سیاسی شیعه نسبت به تروریسم خواهیم پرداخت.

محاربه:

محاربه از ریشه حرب به معنای جنگ است و محارب جنگجو نام دارد. یکی از منابع مهمی که در آن به محاربه اشاره شده است آیه 33 سوره مائده می باشد: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». اکثریت فقها با جمله: «تجريد السلاح لآخافه الناس» محاربه را تعريف می کنند و محارب را کسی دانند که: «شمشیری را برهنه می کند یا آن را تجهيز می نماید تا مردم را بترساند». تعريف فقها از محاربه، هراساندن می باشد که برخی محاربه و تروریسم را هم معنا می دانند و معتقدند که: «تروریسم همان محاربه می باشد که عبارت است از هر گروه اعم از شخص واحد، حزب و یا سازمان که قیام مسلحانه و ایجاد رعب و هراس کند و امنیت را در جامعه سلب کنند» (عالی پور، 1389، 142). دو شرط اصلی در محقق شدن رکن مادی محاربه، کاربرد سلاح به صورت آشکار می باشد. رکن روانی در محاربه شامل سوء نیت عام و خاص است. سوء نیت عام، قصد به کار بردن سلاح و سوء نیت خاص، قصد ایجاد هراس و سلب امنیت می باشد (حائری و همکاران، 1391، 54). صاحب جواهر در مورد حکم حد محارب به ادله سه گانه کتاب، سنت و اجماع مراجعه کرده و در این مورد می گوید: «حد محارب قاتل، یا به دار آویختن، یا قطع دست راست و پای چپ و یا نفی و طرد از شهر است» (چراغی و حاجی علی، 1400، 134).

ارهاب:

ارهاب به معنای ترساندن و دچار هراس کردن، تهدید نمودن، خشونت و ارباب می باشد (مجیدی، 1386، 177). ارهاب یعنی: «کسانی که برای برپا داشتن قدرت و سلطه ی خود به ترساندن متوسل می شوند» (صداقت زاده، 1395، 105). ارهاب در مفهوم کلی به معنای ترساندن می باشد در مفهوم نزدیک به تروریسم قرار می گیرد.

فتک:

فتک در معنای لغوی به حمله غافلگیرانه می گویند. جوهری در صحاح اللغه فتک را این گونه تعريف می کند: «أن يأتي الرجل صاحبه و هو غار غافل حتي يشد عليه فيقتله: فتك آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است از نیت آن شخص، مورد حمله قرار دهد و به قتل رسانید» (گودرزی، 1386، 83). کشتن انسان ها به شیوه فتک، جنبه سیاسی و ایجاد ترس در جامعه کمتر مورد توجه قرار می گیرد ولی در معنای تروریسم به شکل امروزی بیشتر بعد سیاسی آن مد نظر است و می توان آن را تکامل یافته فتک نامید (طاهری، 1394، 28-29).

بغی: بغی به معنای ظلم و تجاوز و در تعريف فقه سیاسی، باغی به شخصی گفته می شود که با دولت اسلامی به مخالفت و مبارزه برخیزد و دست به سرپیچی از قانون کرده و بر علیه امام قیام کند. وجود امنیت فردی و اجتماعی در جامعه از لوازم ضروری نیازهای انسان ها می باشد. مفهوم بغی به عنوان یکی از رفتارهای ناقض امنیت مورد توجه می باشد. کلمه بغی در قرآن کریم هم دارای مصادیق فردی است و هم گروهی. ولی در اینجا به مصداق گروهی آن خواهیم پرداخت. بغی در مفهوم گروهی آن دو مفهوم را در بر می گیرد. 1 عنوان مثال در آیه 42 سوره شورا: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

آلیم» می توان به آن اشاره کرد و مفهوم دیگر معنای محاربه و جرم سیاسی می باشد که در معانی نزدیک به تروریسم قرار می گیرند (علوی نیا و دیگران، 892، 1400-888). بقی از آنجا جرم سیاسی محسوب می شود که نظام سیاسی حکومت اسلامی را در زمان حاکم عادل جامعه اسلامی به چالش می کشد و از طرفی که یک نوع آشوب محسوب می شود و امنیت جامعه اسلامی را زیر سؤال می برد به مفهوم ترور نزدیک تر است (طاهری، 1394، 34).

غیله:

غیله یا اغتيال عبارت است از: «کسی که دیگری را فریب دهد و او را به موضعی رهنمون سازد و هنگامی که به آن مکان رسید، او را به قتل برساند». به بیان دیگر غیله کشتن در خفا می باشد. اغتيال در معنای نزدیک به هلاک کردن، با خدعه، نیرنگ و فریب کشتن است که در معنای نزدیک به تروریسم مورد توجه قرار می گیرد (ذهبیات، 1399، 42).

غدر:

یکی از اسامی مجرمانه جنگی می باشد که عبارت است: از مکر و حيله ای که در جنگ استفاده می شود. بدین صورت که به افرادی از دشمن اجازه می دهند که وارد قلمرو شوند و بعد آن ها را غافلگیر می کردند و بعد می کشتند. غدر هم ردیف نقض پیمان و وفا و کشتن ناجوانمردانه می باشد. فقها شیعه، به عدم استفاده از غدر تأکید دارند. از این رو غدر در مفهوم نزدیک به تروریسم به کار می رود (بزرگمهری و خادمیان، 1393، 6).

آیات قرآن درباره تروریسم:

یکی از منابع مهم فقه سیاسی شیعه قرآن کریم می باشد که عمل تروریستی را نهی و بر صلح و دوستی میان انسان ها تأکید می کند. آیه 61 سوره انفال: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنُّ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» بر صلح و مودت بین انسان ها تأکید می کند. در آیه 32 سوره مائده آمده است که: «اگر کسی شخص بی گناهی را به قتل برساند مثل این است که تمام انسان ها را کشته است». در سوره نساء آیه 93 آمده است که: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»: «هر کسی که مؤمنی را به عمد به قتل برساند، کیفر او دوزخ جاویدان است». در مجموع قرآن کریم کشتن انسان های بی گناه را حرام دانسته و بر رعایت اصل کرامت انسانی و حقوق بشر تأکید می کند (مطلبی و همکاران، 133، 1395). کرامت ذاتی را خداوند برای همه انسان ها قائل شده است، بر مبنای این کرامت ذاتی همه انسان ها برابر هستند و در تمام ابعاد حقوق در جوامع با یکدیگر برابرند. بر این اساس خداوند در آیه 70 سورا اسیراء می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»: «و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها

را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم» (جمشیدی و همکاران، 1395، 152).

دین اسلام، برای همه انسان ها شامل انواع مختلف نژادها، قومیت ها، دین و مذاهب، ارزش بالایی قائل است. بر این اساس مهم ترین حقی که برای همه انسان ها در نظر گرفته است حق زندگی و حیات است که اساس همه حقوق انسانی است (جمشیدی و طوسی، 1397، 155). در نظر اسلام، هیچ کدام از گونه های تروریسم و به طور عام، خونریزی انسان ها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه مجاز نیست؛ مگر به صورت قانون مند و تحت ضابطه و برای دفاع کردن از خود و ارزش های دینی خود و با اهداف مشروع صورت گیرد؛ در این صورت جزو تروریسم محسوب نمی شود (رشیدی، 1397، 84). در فقه سیاسی، دفاع مشروع مورد قبول قرار گرفته است. محقق حلی معتقد است: «انسان حق دارد از جان، حریم و مال اش تا آنجا که توان دارد دفاع کند». دفاع مشروع در فقه سیاسی به دو نوع تقسیم می شود: 1- دفاع فردی. 2- دفاع از سرزمین و حاکمیت (برجی، 1381، 9). اگر بخواهیم دفاع مشروع را تعریف کنیم، دفاع مشروع عبارت است از: «توانایی بر دفع تجاوز قریب الوقوع و ناحقی که نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگری را به خطر انداخته است» (رحیمی، 1399، 27). بر مبنای نظر فقهای شیعه، در زمان غیبت معصوم (ع)، جهاد فقط از طریق دفاع مشروع جایز است و حمله ابتدایی به سایر کشور ها و تجاوز به حقوق آن ها ممنوع می باشد. بر مبنای دیدگاه امام خمینی (ره)، تنها در صورت تجاوز نظامی دشمنان، دفاع نظامی واجب محسوب می شود. اگر در قرآن، آیاتی درباره جهاد وجود دارد، آیاتی هم درباره دو اصل برتر بودن صلح و اصل پایبندی به پیمان های بین المللی حاکم و مقدم بر اصل جهاد وجود دارد و مورد توجه قرار گرفته است (هاشمی، 1395، 146). امام خمینی (ره) ترور را رفتاری غیر انسانی و عملی ناجوانمردانه تلقی می کند و نظرشان نسبت به این عمل خشونت آمیز منفی می باشد. ایشان می فرمایند: «تروریست ها نمی توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده، با این رفتاری غیر انسانی می خواهند انتقام بگیرند» (نعمتی وروجنی، 1395، 86). ترور به پنج دلیل عملی ضد اخلاقی در اندیشه فقه سیاسی محسوب می شود: 1- به دلیل عهد و پیمان که شخص زندگی در جامعه را قبول کرده و آن جامعه برای آن شخص حق زندگی در نظر گرفته است. 2- ترور یک عملی حيله آمیز و با نیرنگ می باشد و اسلام آن را رد می کند. 3- ترور رفتاری خشونت آمیز می باشد و اسلام خشونت را مردود اعلام می دارد. 4- ضرورت وجود یک نظام سیاسی و اجتماعی می باشد که امنیت در آن تأمین شود. 5- رد اصل تروریسم در اندیشه فقه سیاسی و مخالفت با این عمل ضد انسانی (حاتمی، 1390، 41).

بعضی از صاحب نظران بر این باورند که بخشی از جنایات و آشوب هایی که در جامعه صورت می گیرد، از جهل و عدم آگاهی افراد نسبت به مسئولیت سیاسی خودشان در جامعه می باشد. فقه سیاسی که اداره حکومت کشور را بر مبنای مقررات الهی و وحی قرار داده است؛ افراد یک جامعه را از وظایف خود با خبر می کند. ارتباط افراد با حکومت و مسئولیتی که حکومت نسبت به شهروندان دارند را فقه سیاسی بر عهده دارد (شریعت مدار جزایری، 1379، 20).

با واکاوی نظر اسلام نسبت به این پدیده ضد بشری یعنی تروریسم، به این نکته می رسیم که اسلام تروریسم را قبول ندارد و به هیچ کس جواز عملیات تروریستی نمی

دهد. اسلام مخالف این است که خون انسان بی گناه ریخته شود. اسلام به عنوان یک مکتب انسانی، مردم را دعوت به صلح و امنیت کرده و با توجه به مطالب فوق و آیات قرآن کریم هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی انسان ها حرام می باشد و تمامی اصول تروریسم و مفاهیمی که در قسمت فوق، معادل واژه تروریسم بیان کردیم، از نظر فقه سیاسی شیعه رد می شود(صفری، 1392، 69).

واقعۀ حماسی مردم آمل:

اتحادیه کمونیست های ایران:

اتحادیه کمونیست های ایران به عنوان یک گروه تروریستی شورشی با هدف براندازی انقلاب اسلامی ایران با پیروی از آموزه فکری - اعتقادی مارکسیسم - لنینیسم و با تبعیت از روش مائو (روش جنگ توده ها) و مشی چریکی ژنرال جیاپ، چه گوارا و کاسترو در جنگل های آمل (منگل دره) دست به اقدام تروریستی زد. اعضای گروه معتقد به روش مائو بر این اساس که: «در مبارزه باید بیش از هر چیزی بر پشتیبانی های مردمی و استفاده از آنان به عنوان یک منبع مبارزه سریع علیه دشمن بهره گیری نمود» بودند(شعبانی، 1394، 233). اتحادیه کمونیست های ایران یکی از گروه های چپ گرا در ایران بود که در میان محافل دانشجویی(کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی) که مکان تشکیل آن خارج از کشور و آمریکا بود؛ در سال 1355 از ادغام دو گروه «سازمان انقلابیون کمونیست» و گروه «پویا» تشکیل شد. این گروه دانشجویانی بودند که اکثریت آن ها از طبقه اشراف و بالا جامعه بودند. آن ها در وهم ایدئولوژی کمونیست بودند. گروه پویا اعضای آن از محفل گروه فلسطین بودند که در زمان رژیم پهلوی از ایران فرار کرده بودند و زمانی را در عراق و سپس لبنان حضور داشتند(رنجبر، 1373، 5). نشریه «کمونیست» و هم چنین «نشریه حقیقت» که این نشریه ها شامل مواضع ضد امپریالیست آمریکا و سیاست حمایت از سوسیالیسم شوروی بودند از نشریه های اتحادیه کمونیست های ایران بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) اعضای اتحادیه به ایران برگشتند و مواضع ضد امپریالیستی در خصوص آمریکا اتخاذ نمودند. ولی در خصوص اسلامی بودن انقلاب جبهه گرفتند و تمام تلاش خود را کردند که چهره اسلامی انقلاب را خدشه دار کنند(کردی، 1386، 14-11).

فعالیت اتحادیه در قبل از انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی از نوع سیاسی- فرهنگی بود. به طوری که آن ها رژیم پهلوی را بورژوازی کمپرادور و وابسته به امپریالیسم محسوب می کردند. بعد از پیروزی انقلاب، مواضع اتحادیه شامل دو قسمت می شود: بخش اول با مواضع دوگانه، که از آغاز انقلاب تا خرداد 1360 ادامه داشت؛ و بخش دوم که به مشی مبارزاتی و چریکی منجر شد. این بخش با عزل بنی صدر در 30 خرداد 1360 شروع شد و تا ششم بهمن 1360 استمرار پیدا کرد. با توجه به تغییرات در احزاب سیاسی و شکاف بین بنی صدر و یاران حضرت امام (ره)، اتحادیه کمونیست ها به پیروی از سایر گروه های ضد انقلابی به جناح حامیان بنی صدر ملحق شد و پس از عزل بنی صدر به این نکته پی برد که انقلاب از مسیر خود منحرف شده است و برای نجات آن باید به اقدام فوری دست زد. اتحادیه به تز قیام فوری رسید. در روز ششم بهمن اتحادیه کمونیست های ایران با اتخاذ مشی مائوئیستی، از طریق فتح شهرها، عملیات خود را از شهرستان آمل آغاز کرد (عزیزی، 1398، 109-92). این گروه با تعداد 100 نفر با نام سریداران به فرماندهی حسین ریاحی دست به عمل

تروریستی زدند(خانی، 1379، 14). امام خمینی(ره) درباره واقعه حماسی مردم آمل می فرمایند: «منافقین همه قوایشان را جمع کردند و به آمل حمله وحشیانه و غافلگیرانه کردند، به این امید که مردم آمل با آن ها همدست شوند و بعد شهرهای دیگر و بعد رشت و همین طور جلو بروند. ما باید از آمل و مردم آمل تشکر کنیم»(امام خمینی، ج 2، 16). اتحادیه کمونیست ها معتقد بودند که: «قدرت سیاسی از لوله تفنگ می آید. بدون اعمال قهر انقلابی هیچ طبقه و ملتی نخواهد توانست، حقوق پایمال شده خود را از چنگال جباران بیرون کشد»(بی نا، 1383، 253). این گروه با اتخاذ مشی چریکی (مبارزه مسلحانه و قهرآمیز) سعی در اشغال شهر آمل داشتند. «مشی چریکی روش ویژه ای از مبارزه می باشد که در آن یک اقلیت در چارچوب یک جنبش (مقاومت، رهایی بخش، انقلابی و توده ای) علیه دولت محلی و یا نیروهای اشغالگر به طور مسلح و خشونت آمیز فعالیت می کند»(علوی، 1379، 5). آن ها به این حمله فیدل کاسترو رهبر کوبا که می گفت: «وجود ایده ها در تعداد بسنده ای از انسان ها برای دست زدن به عمل انقلابی کافی بود و از طریق این عمل، توده ها به این ایده ها جلب شده اند و این آگاهی را به دست آوردند؛» عملیات چریکی و مسلحانه خود را با توجه به عمل انقلابی گفته شده توسط کاسترو توجیه کردند(زعیم، 1393، 8). در سال های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت گروه های چپ گرا در بخش شمال کشور زیاد شده بود. همسایگی استان های شمالی با کشور شوروی به عنوان قطب کمونیست از علل اصلی فعالیت کمونیست ها در شمال کشور می باشد. عوامل جغرافیایی هم در انتخاب شهر آمل موثر بودند. وجود جنگل آمل در دو سوی جاده هراز، پستی و بلندی های جنگل برای پنهان شدن، دسترسی به آب رودخانه هراز از جمله این عوامل می باشند(رهگذر، 1385، 34-31). شمال ایران دارای شبکه ارتباطی گسترده ای است که از طریق بزرگراه ها و جاده ها به تهران و سراسر ایران متصل می شود. اعضای اتحادیه با الگوبرداری از واقعه حمله به پاسگاه سیاهکل توسط سازمان چریک های فدایی خلق، آمل را مناسب حمله دانستند(هاشمی، 1401، 29-21). ناصر میر رباحی یکی از اعضای اتحادیه، تز جبهه سوم را مطرح ساخت. بر مبنای این تز، جبهه اول، جنگ ایران و عراق، جبهه دوم، فعالیت گروه های ضد انقلاب در کردستان و ایجاد کردن جبهه سوم در جنگل، با توجه به مشغول بودن حکومت در جبهه اول و دوم، می توانست به پیروزی جبهه سوم و در نهایت سقوط حکومت انجام شود(نبوی، 1397، 25). این گروه تروریستی که قبل از این واقعه کارهای عملیاتی انجام نداده بودند و درگیر مسائل تئوریک مارکسیستی بودند در پیشینی خود از واقعه اشتباه کردند و فکر می کردند که مردم آمل در جریان عملیات به آن ها ملحق می شوند. شتابزدگی آن ها در اجرای عملیات، بی تجربگی و تحلیل نادرست از شرایط کشور منجر به شکست این گروه شد(ابراهیمی، 1391، 147-103). علت حضور مردم آمل در این واقعه را می توان در دو مورد شرح داد: 1- اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ناظر همگانی بر حسن اجرای احکام اسلامی در یک جامعه اسلامی می باشد. 2- مشارکت همه اقشار مردم در جهاد و دفاع از نظام اسلامی می باشد که حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد»(خانی، 1374، 19). حضرت امام خمینی (ره) با اعتقاد به قدرت خداوند که در اراده مردم انقلابی پدیدار گشته است می فرمایند: «به شهادت تاریخ هیچ قدرتی نمی تواند آتش قلب ملت مظلوم را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده اند فرونشاند». و

هم چنین در سخنرانی دیگر امام راحل می فرمایند: «با اراده ملت ها اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست، غیر ممکن ها، ممکن می شود و محال ها واقع» (بی نا، 1374، 164). نقش مردم در این واقعه حماسی قابل توجه بود. به طوری که در ساعات اولیه درگیری با تروریست ها مردم سطح شهر را سنگر بندی کردند و به این خاطر شهر آمل به شهر «هزار سنگر» معروف گردید. حضور مردم آمل در این واقعه، یادآور روز 22 بهمن 1357 می باشد. در روز 6 بهمن سال 1360 تروریست ها به هلاکت رسیدند و عده ای از آن ها دستگیر شدند. در این واقعه، 41 نفر از مردم شهر آمل که شامل سپاه، بسیج، کمیته و مردم بود به درجه رفیع شهادت نائل آمدند (بی نا، 1361، 35).

با توجه به آن چه که درباره فقه سیاسی و رویکرد آن نسبت به تروریسم گفته شد. واقعه حماسی مردمی آمل یک واقعه تروریستی و از نظر فقه سیاسی اقدام گروه تروریستی اتحادیه کمونیست های ایران و به شهادت رساندن مردم، مردود و حرام است.

نتیجه گیری:

نتیجه گیری این مقاله نشان می دهد که فقه سیاسی شیعه اصل پدیده تروریسم را نفی می کند و به عنوان یک عمل نامشروع و مخالف صلح و امنیت در جامعه تلقی می کند. فقه سیاسی شیعه با توجه به در نظر گرفتن دلایلی نظیر حق حیات برای تمام انسان ها و کرامت ذاتی بشر، کشتن انسان ها را حرام می داند و عمل تروریستی را بنابر ماهیت خشونت آمیز، ضد انسانی و مخل امنیت در جامعه، مردود و غیر مجاز می داند. مبانی فقه سیاسی شیعه، بر ترویج صلح و امنیت تأکید دارد و مفاهیمی مانند ارباب، فتک، بغی و محاربه را به عنوان تهدیدکننده های صلح و امنیت محسوب می کند. واقعه حماسه مردم آمل که توسط اتحادیه کمونیست های ایران در روز 6 بهمن سال 1360 صورت گرفت که منجر به شهادت رسیدن تعدادی از مردم آمل گردید؛ یک عملیات تروریستی در تاریخ ایران پس از انقلاب می باشد؛ که این عملیات تروریستی از منظر فقه سیاسی شیعه حرام و مردود و عملی غیر مجاز و ضد انسانی محسوب می شود.

منابع:

- ابراهیمی، قربانعلی، (1391)، مجموعه مقالات همایش جبهه سوم: تحلیل حماسه اسلامی مردم شهر آمل در شش بهمن سال 1360، نشر معاونت پژوهش دانشگاه مازندران، بابلسر.
- اکبری، کمال، (1387)، سیر تطور فقه سیاسی شیعه، نشر طرح آینده، تهران.
- امام خمینی (ره)، صحیفه امام خمینی (ره)، جلد 16.
- ایزدهی، سید سجاد، (1389)، برداشتی از دیدگاه های آیت الله خامنه ای پیرامون فقه سیاسی، نشریه حکومت اسلامی، شماره 56، ص 69-112.
- بزرگمهری، مجید و خادمیان، علیرضا، (1393)، نفی تروریسم در اندیشه سیاسی اسلام و مواضع سازمان همکاری اسلامی در قبال آن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، سال اول، شماره 1.

- بی نا، (1361)، حماسه مردم آمل، نشر ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- بی نا، (1374)، حماسه اسلامی مردم آمل: مجموعه سخنرانی ها و مقالات سمینار علمی بررسی حماسه آمل، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- بی نا، (1383)، پرنده نوپرواز: گفت و گو با یکی از رفقای شرکت کننده در مبارزه مسلحانه سریداران و قیام آمل، نشر حزب کمونیست ایران، آلمان.
- بیگ زاده، ابراهیم، (1384)، سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل معاصر، نشر معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، تهران.
- پور حسین، مهدی، (1391)، بغی و تمرد در حکومت اسلامی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- جمشیدی، محمد حسین و طوسی، کوثر، (1397)، تبیین رابطه جهاد و تروریسم در اسلام سیاسی (از منظر امامیه و تکفیری ها)، نشریه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره 2، ص 143-170.
- جمشیدی، محمد حسین، طوسی، کوثر، سلطانی نژاد، احمد، (1395)، جهاد اسلامی در روابط بین الملل از منظر شیعه امامیه و عدم تناسب آن با خشونت گرایی و تروریسم، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره 45، ص 168-149.
- چراغی، پروانه و حاجی علی، فریبا، (1400)، تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال 28، شماره 3، ص 129-158.
- حاتمی، محمد رضا، (1390)، تروریسم از دیدگاه اسلام، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره 6، ص 25-47.
- حائری، محمد حسن، قبولی درافشان، محمد تقی، موسوی مشهدی، قدسیه، (1391)، نگرشی نو در رابطه با جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی، نشریه آموزه های حقوق کیفری، بهار و تابستان، شماره 3.
- حقیقت، سید صادق، (1399)، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، نشر نگاه معاصر، تهران.
- خانی، مهدی، (1379)، رزم آهنگ بهمن، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آمل.
- خانی، مهدی، (1374)، مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل، مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی وابسته به نیروی مقاومت بسیج، تهران.
- خراسانی، رضا، (1396)، اجتهاد و سیاست: درآمدی بر فقه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران، نشر مخاطب، تهران.
- ذهیبات، محمد، (1399)، تروریسم از دیدگاه فقه و حقوق بین الملل، رساله دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم.

- رحمانی، فاطمه و مرادخانی، احمد، (1394)، تروریسم زدایی فقهی از اسلام و تبیین حکم سیاسی فقهی امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی، شماره 24، ص 7-32.

- رحمت الهی، حسین، لک زایی، نجف، ارسطای، محمد جواد، حاج زاده، هادی، (1394)، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره 44، ص 113-152.

- رحیمی، علی، (1399)، مقایسه تطبیقی جنبش مقاومت اسلامی و تروریسم بین المللی با تأکید بر فقه سیاسی و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.

- رشیدی، تینا، (1397)، مطالعه فقهی حقوقی تروریسم با تکیه بر نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه.

- رنجبر، محمد، (1373)، بررسی و تحقیقی پیرامون وقایع ششم بهمن آمل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده دافوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- رهبر، عباسعلی و سوری، فرزاد، (1395)، دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره 5، ص 101-133.

- رهگذر، سیمین، (1385)، شهر هزار سنگر، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

- زعیم، سیامک، (1393)، مارکسیست - لنینیست ها و مشی چریکی، انتشارات حزب کمونیست ایران.

- سیکستا راینهارت، کریستین، (1400)، جنبش های اجتماعی سرخورده و ریشه های تروریسم، مترجم: محمد بابایی، نشر لوگوس، تهران.

- شریعتمداری، جزایری، سید نورالدین، (1379)، امنیت در فقه سیاسی شیعه، نشریه علوم سیاسی، شماره 9، ص 5-31.

- شعبانی، ناصر، (1394)، مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوای واقعه 6 بهمن 1360)، نشر مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

- صداقت زاده، محمد رضا، (1395)، بررسی فقهی و حقوقی محاربه و تروریسم با تأکید بر فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- صفری، مژگان، (1392)، بررسی مقایسه ای فقهی و حقوقی تروریسم از دیدگاه سه ادیان اسلام، یهود و مسیح، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- طاهری، محمد حنیف، (1394)، مطالعه تطبیقی تروریسم از منظر فقه شیعه و حنفی، نشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، قم.

- طیب، علیرضا، (1382)، تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، نشر نی، تهران.

- عالی پور، حسن، (1389)، نسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، زمستان، شماره 4.
- عزیزی، امین، (1398)، بررسی مواضع اتحادیه کمونیست های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفدهم، پاییز، شماره 66.
- علوی نیا، نسرين، افسری، زهرا، ترابی دشتکی، الهام، (1400)، مصادیق و مؤلفه های بغی با تأکید بر جرم سیاسی در فقه و قانون مجازات اسلامی، نشریه نهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، زمستان.
- علوی، محمد صادق، (1379)، بررسی مشی چریکی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، موسی زاده، ابراهیم، (1391)، بایسته های فقه سیاسی، نشر مجد، تهران.
- فیرحی، داود، (1387)، روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
- فیرحی، داود، (1394)، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، نشر نی، تهران.
- کردی، علی، (1386)، اسناد اتحادیه ی کمونیست های ایران در واقعه آمل، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- کریمی نیا، محمد مهدی، ابراهیمی، محمد علی، انصاری مقدم، مجتبی، (1400)، واکاوی ابعاد مسئله تروریسم در حقوق بشر و بررسی آن در دیدگاه اسلامی (با محوریت احادیث)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره 8.
- گودرزی، مرتضی، (1386)، سنت نبوی در مقابله با تروریسم، فصلنامه فقه، سال چهاردهم، زمستان، شماره 3.
- مبلغی، عبدالمجید، (1389)، درآمدی بر تروریسم پژوهی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- مجیدی، محمود، (1386)، جرایم علیه امنیت، نشر میزان، تهران.
- مطلبی، مسعود، آرایش، حسن، رحیمی عماد، سید رضا، تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات های استشهادی، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، زمستان، شماره 4.
- ناجی راد، محمد علی، (1387)، جهانی شدن تروریسم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- نبوی، زهرا، (1397)، حماسه 6 بهمن مردم آمل، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- نعمتی وروجنی، یعقوب، (1395)، بررسی پدیده ترور و نفی و محکومیت آن از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره 7.

- ورعی، سید جواد، (1396)، درسنامه فقه سیاسی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نشر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، قم و مشهد.
- هاشمی، سید حسین، (1395)، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- هاشمی، سیده منیره، (1401)، عمه ام طاها؛ طهارت با شهادت: خاطراتی از شهیده سیده طاهره هاشمی، نشر وارث وا، آمل.
- یعقوب علی، برجی، (1381)، تروریسم از نگاه فقه، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره 3 و 4، ص 25-2.